

نگاهی

به نقش تاریخی قبایل مرزی در سرنوشت افغانستان!

(در سال ۱۹۲۴ میلادی زلمی خان و سنک خان از شورش ملا عبدالله مشهور به ملای لنگ بر ضد امان الله خان پشتیبانی نمودند ، این شورش که در کار تدارک آن شبکه های جاسوسی انگلیسی دست داشت به زودی سرکوب گردید ، منگل ها پس از این شگست به اجنسی کورم پناه برده و در منطقه ای « تر » جابجا شدند که اکنون این محل به « تر منگل » شهرت دارد .)
(ارقام و مقایق در مورد مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اهمیت میوه‌ستراتیژیک قبایل مرزی افغانستان!)

فصل اول

(قسمت دوم)

سخنی چند با خواننده

اثر حاضر پیامد کار خستگی ناپذیر وارث محمد « وزیر » است، که بر پایه ای آن نامبرده در سال ۱۹۹۰ میلادی تیزس کاندید دوکتورای خویش در علوم تاریخ را در انستیتوت روابط بین المللی وزارت خارجه فدراسیون روسیه دفاع نمود ، و در سال ۱۹۹۸ میلادی بر گردان پشتوی این اثر را به چاپ رساند و به دسترس خوانندگان قرار داد.

نویسنده در نوشتن این اثر روز های زندگی گرانبهای خویش را چنان سرمایه گذاری کرده است ، که برای نخستین بار در فرآیند شناخت علمی مسایل مربوط به قبایل پشتون سر زمینهای شرق افغانستان و سرنوشت پُر آشوب و پُر آوازه ای آنها، یک اثر علماً تنظیم شده بر بنیاد میتودولوژی نوین دانشپوری به پیشگاه اهل پژوهش و دانش پیشکش نموده است. معنی این گفته این است که پرداخته های اثر موجود در میان دهها و صدها اثر علمی که در درون کشور و بیرون مرز های آن به مسایل قبایل پشتون افغانستان پرداخته اند، یک نوشته ناب و یک آغاز دارای ارزش دانشپردازانه و علمی میباشد .

این اثر در پنج بخش : پشگفتار ، یاداشتها ، مأخذ و نتیجه گیری سرهمبندی گردیده که با سر سخن از نویسنده و « سخنی چند در باره این نوشته و نویسنده آن » از محترم سلیمان « لایق » آراسته گردیده است . برگردان این اثر گاهی با بکار بستن دو متن پشتو و روسی همزمان

صورت گرفته است و هرگاه در ساختار جملات زمانی ناهمگونی هایی با متن پشتوی آن به چشم میخورد، یگانه دلیل آن بکاربرد همین دو متن بوده و در معنی و مضمون ایده ها و اندیشه های نویسنده هیچگونه تصرف و مداخله ای صورت نگرفته است. به نظر من برخی ارقام و احصائیه ها، نامگذاری ها و برچسب های بکار برده شده در متن اثر قابل بازنگری جدی بوده که به باور کامل، نگارنده اثر در زمان لازم به آنها خواهد پرداخت. البته این نارسایی ها به هیچوجه از ارزش میتودیک این اثر نه می کاهد. سهمگیری بایسته ای زلمی نصرت در کار آرایش و پیرایش برگردان و نشر این اثر قابل ارجحاری و ستایش میباشد. با به سر رسیدن بخش و نشر انترنیتی این اثر تلاش خواهد شد تا این متن به شکل کتاب به دست چاپ سپرده شود که در آن صورت با تمام مقدمه ها و پیشگفتار ها یکجا با مآخذ آن به دسترس خوانندگان گذاشته خواهد شد.

با سپاس بی پایان

ف. غزوی

ما در قسمت اول: «بخش قبایل نوار شرقی: مرزها، شمار و ترکیب باشندگان!» پژوهش را تا اینجا دنبال کردیم که:

در لحظه ای کنونی صافی ها دارای سر زمین واحد و مشترک نبوده، تا اندازه ای زیاد با اقوام و ملیتهای دیگر آمیزش یافته که شاخه های مسکونی این قبیله در مناطق گو ناگون فاقد روابط اقتصادی و پیوند های عشیروی میباشد. در این قسمت نیز پژوهش را از شمالی ترین نقطه ای «مناطق قبایلی» به طرف جنوب در امتداد مرز های پاکستان دنبال میکنیم.

ترکانی ها

شمار افراد این قبیله در ولایت کنر قریب (۴۰) هزار تن رقم گرفته است که از دیدگاه زیادی نفوس در این ولایت مقام سوم را دارا میباشد. ترکانی ها در ولسوالی مرور (۹۰۱) هزار تن، در ولسوالی اسمار (۱۲) هزار تن، در شهر اسعد آباد (۶) هزار تن، در ولسوالی دانگام (۴،۳) هزار تن، در ولسوالی سرکانی (۲،۹) هزار و در علاقدهاری ناری (۱،۹) هزار تن بالغ میگرددند. بر پایه ای آمار دست داشته، محلات سکونت افراد قبیله ای نامبرده در گوشه های دیگر افغانستان دیده نه شده است. مگر یک بخش چشمگیر افراد قبیله ای ترکانی در سمت دیگر مرز های «دیورند» در اجنسی باجور بود و باش دارند. شاخه های اساسی این قبیله عبارت است از سالارزی، اسوزی، سمیل زی و ماموند.

مشوانی ها

شمار همه ای مشوانی ها در «مناطق قبایلی» بین (۱۳) تا (۱۵) هزار تن گمان زده شده است که قریب (۱۱،۱) هزار تن آنها در ولایت کنر که از میان شان (۴،۹) هزار تن در ولسوالی اسمار، (۳،۶) هزار تن در علاقدهاری دانگام، (۱) هزار تن در علاقدهاری ناری و (۰،۶) هزار تن در شهر اسعد آباد به سر میبرند. مشوانی ها در ولایت ننگرهار به شکل همگانی در ولسوالی بیتیکوٹ زندگی میکنند که شمار شان به (۲،۴) هزار تن میرسد.

یک بخش کوچک افراد این قبیله در نزدیکی شهر کابل (کوهدامن) نیز به سر میبرند. مشوانی ها با قبیله ای کاکر که یکی از بزرگترین قبایل پشتون به حساب میآید، پیوند خیلی نزدیک دارند. اما چگونگی زیست میان قبایل صافی سبب برچسب زدن

*- قبیله مشوانی در افغانستان به دو رشته جدا گردیده است: کورتاکی و گل بابا که هر کدام به نوبه خویش به شش شاخه منقسم شده اند. آنها خود را برادران قبیله ای صافی میپندارند (البته پس از قبیله ودیر، گریز و مسود).
رشته های کاملاً دیگر با مشوانی ها شده است. این رشته های شجروی گویای آن است که مشوانی ها دارای پیوند های خویشاوندی با صافی ها بوده و رواجها و نشانه های فرهنگ مادی را از ایشان به ارث گرفته است.*

سرکانی ها

سرکانی قبیله کوچکی است که تقریباً به شکل همگانی در ولسوالی سرکانی ولایت کنر به سر میبرند. شمار سرکانی ها قریب (۵،۷) هزار تن تثبیت گردیده است. این قبیله در دوره های پیشین بخشی از قبیله ای بزرگ الکوزی را تشکیل داده که وابسته به قبایل درانی بوده و در ولایت قندهار بود و باش دارند. سرکانی ها بنا بر یکرشته عوامل نا پیدا از مناطق تاریخی زندگی خویش کوچیده و در ولایت کنر مسکن گزین شده اند. سرکانی ها به سبب ناتوانی بود و باش در میان قبایل دشمن، همواره در پی جلب پشتیبانی دولت ها بوده که این شیوه برخورد به سست شدن رشته های عشیروی در بین آنها شده است. باید گفت که چند خانواده الکوزی و سرکانی (سرغانه) در قریه گردی غوث مهمند دره ولایت ننگرهار نیز به سر میبرند. در ولایت کنر افزون بر قبایل یاد شده برخی قبایل دیگر پشتون نیز به سر میبرند که در ردیف آنها میتوان از نمایندگان قبایل مهمند (۱۶،۳) هزار تن، شینوار (۵،۴) هزار تن و وردک (۱،۲) هزار تن نام گرفت.

ولایت ننگرهار از دیدگاه پیچیدگی ترکیب اهالی جایگاه ویژه در میان سائر

ولایات شمال شرق، شرق و جنوب شرق افغانستان دارد. در این ولایت قریب نمایندگان (۴۰) قبیله ای گوناگون پشتون و حدود (۱۰) ملیت دیگر در پهلوی همدیگر به سر میبرند. قبایل عمده در این ولایت عبارت از قبیله ای مهمند، شینوار، و خوگیانی. قبایل یاد شده بخش قابل ملاحظه ای ساختار قبیله ای و حقوقی سنتی خویشرا تا کنون نگهداشته اند.

مهمند ها

شمار مهمند ها در ولایت ننگرهار بر (۱۷۳،۶) هزار تن بالغ میگردد که از این میان (۹۷،۲) هزار تن در ولسوالی کامه، (۲۹،۸) هزار تن در رودات، (۹،۶) هزار تن در مهمند دره، (۵،۶) هزار تن در کوز کنر، (۱،۱) هزار تن در سرخورد و نیز (۲) هزار تن در لوی ولسوالی شینوار و (۲۳،۴) هزار تن در شهر جلال آباد به سر میبرند. افزون بر آن، افراد این قبیله در خاص کنر (۱۴،۴) هزار تن، در سرکانی (۰،۸) هزار تن، در نرنگ (۰،۵) هزار تن، در نورگل (۰،۴) هزار تن و در شهر اسعد آباد (۰،۳) هزار تن نیز بود و باش دارند. یک بخش مهمند ها در شمال افغانستان و نیز در ولایت هرات زندگی میکنند. اکثریت قاطع مهمند ها از گذشته های دور بدینسو سکونت اختیار نموده، صرف بخش کوچک آنها هنوز هم به زندگی کوچیگری ادامه داده و در مناطق همجوار سرگرم دامپروری میباشند.*

*- شجره ای خونی مهمند ها نهایت پیچیده است، رشته های اساسی آن که «بر مهمند» و «کوز مهمند» نامیده میشوند به چندین شاخه منقسم گردیده که شمار خیل های آن به (۱۰) میرسد.

شینواری ها

شینواری ها از دیدگاه کسرت نفوس دومین قبیله ای ولایت ننگر هار را تشکیل می دهند . شمار افراد این قبیله به (۱۵۰،۵) هزار تن بالغ میگردد که از آنجمله (۱۵،۴) هزار تن در ولسوالی اچین ، (۲۴،۳) هزار تن در ولسوالی هسکه مینه ، (۱۸،۲) هزار تن در علاقداری دور بابا ، (۱۱،۸) هزار تن در ولسوالی رودات ، (۶،۶) هزار تن در علاقداری چپر هار ، (۵،۷) هزار تن در علاقداری نازیان ، (۳،۳) هزار تن در ولسوالی کامه ، (۱،۴) هزار تن در ولسوالی حصارک غلجایی و (۰،۲) هزار تن در ولسوالی کوز کنر و هم چنان (۲۲،۵) هزار تن در لوی ولسوالی شینوار و (۵،۸) هزار تن در شهر جلال آباد به سر میبرند . بخش اساسی شینواری ها در ولایت کنر در علاقداری شیگل (۴،۴ هزار تن) و ولسوالی سرکانی نیز (به همان اندازه) سکونت دارند . پهنای مناطق زیست قبیله ای شینواری در سمت شمال سفید کوه ، یعنی در نقاط پُر ارزش ستراتیژیکی گسترش یافته و از گذشته ها بدینسو به مثابه قبیله خیلی مهم در امتداد بزرگراه تجارتی جلال آباد – پشاور پنداشته شده است * .

*- شاخه های اساسی قبیله شینواری: سپای (مانندی زی، حسین خیل ، حمزه خیل ، ولیاس خیل) ، عبدالرحیم زی ، علیشیرخیل ، سنگرخیل ، سین خیل و عبدو خیل میباشد .

خوگیانی ها

خیلهای اساسی این قبیله را خربون (۵۵،۷ هزار تن) ، وزیر (۳۷،۴ هزار تن) و شیر زاد (۳۴،۵ هزار تن) تشکیل میدهد . وابستگان خیل شیر زاد در ولسوالی های ماماخیل (۱۴،۹ هزار تن) ، پچیروآگام (۱۲،۳ هزار تن) و خوگیانی (۷،۳ هزار تن) به سر میبرند .

شمار کلی قبایل یاد شده ای مهمند ، شینوار و خوگیانی به (۴۵۰) هزار تن بالغ میگردد که (۶۱،۲) فیصد همه ای نفوس و (۷۶) فیصد ترکیب پشتونهای ساکن ولایت ننگر هار را در بر میگیرد . افزون بر قبایل نامبرده و قبایل صافی و مشوانی که در بالا از آنها نام گرفته شد ، در ولایت ننگر هار برخی قبایل دیگر پشتون نیز به شکل پراکنده به سر میبرند مانند : محمد زی (۹،۴ هزار تن) ، پوپلزی (۶،۲ هزار تن) ، آدم خیل (۳،۱ هزار تن) ، یوسفزی (۱،۶ هزار تن) ، گالی (۲ هزار تن) ، میچن خیل (۱،۶ هزار تن) ، ترین (۳،۱ هزار تن) ، معروف خیل (۱۲،۷ هزار تن) و ناصر (۳ هزار تن) ، احمد زی (۶،۲ هزار تن) ، جبارخیل (۸،۱ هزار تن) ، سهاک (۷،۳ هزار تن) ، عمر خیل (۸،۱ هزار تن) ، علی زی (۵،۸ هزار تن) ، دولت زی (۶،۱ هزار تن) ، بابکرخیل (۳،۳ هزار تن) ، توخی (۵،۸ هزار تن) ، دستوخیل (۳،۱ هزار تن) ، لودین (۱،۲ هزار تن) ، ستانکزی (۲،۵ هزار تن) عبدالرحیم زی (۱،۸ هزار تن) ، شیخ محمدی (۲،۳ هزار تن) ، میا ها (۳،۵ هزار تن) ، صاحبزاده ها (۰،۶ هزار تن) ، سانیزی (۰،۹ هزار تن) ، خروپ (۰،۵ هزار تن) ، و ملک زی (۰،۱۲ هزار تن) * .

مزید بر این در ولایت ننگرهار برخی از هزار بز ها ، خدر خیل ها، عرب ها و اهل هنود نیز به سر میبرند .

*- پیوند های اتنیکی برخی از این قبایل چون میا ها ، شیخ ها و هزار بز ها به صورت کل نا معلوم میباشد .

منطقه ای دیگر بود و باش پشتون ها را ولایت پکتیا تشکیل میدهد که دارای مرز طولانی با کشور پاکستان میباشد . این ولایت با بزرگراه های مهم زیر پیوند یافته است :

۱- جاده شهیدان پیوار که در جناح دیگر مرز به پاره چنار می رسد .

۲ - جاده دند پتان که هم چنان به پاره چنار می انجامد .

۳- جاده جاجی میدان لوی ولسوالی خوست که به منطقه ای ملی خیل فیبله ای توری واقع در اجنسی کورم می انجامد .

۴- جاده گلام خان که تا میرامشاه امتداد یافته است .

پُر نفوس ترین قبایل ولایت پکتیا را قبایل منگل ، خُدران (جدران) ، جاجی و احمد زی تشکیل می‌دهند که جمعاً (۷۵) فیصد نفوس این ولایت را در بر میگیرند . هر دره ، تپه ، کوهستان ، چراگاه و سرک در میان قبایل و عشائر دیگر و خیل‌های خورد و بزرگ آنها تقسیم گردیده که اکثراً در بیشه های بود و باش خویش از خود سالاری بیشتر برخوردار میباشد .

منگل ها

قبیله منگل یکی از کهن ترین قبایل شرق افغانستان بوده و شامل و شامل اتحادیه ای قبایل کرلانی میباشد . این قبیله به دو شاخه بزرگ موسی خیل و جانی خیل جدا میشود . محل بود و باش آبایی شاخه ای موسی خیل ولسوالی زرو کوپ است که در دره گُبر موقعیت دارد . شاخه ای جانی خیل در جناح شرقی ، همجوار با قبایل چمکنی (خمکنی) و جدران (خُدران) به سر برده که واحد اداری شان نیز بنام ولسوالی جانی خیل یاد میگردد . بر پایه ای تقسیمات اداری ، هر دو واحد نامبرده شامل ساختار اداری لوی ولسوالی خوست ولایت پکتیا میباشد .

بر پایه ای سر شماری سال ۱۹۷۵ میلادی شمار منگل ها به (۱۱۹،۲) تن بالغ میگردد که مزید بر واحد های اداری زروکوپ (موسی خیل) و جانی خیل ، در برخی نقاط دیگر ولایت پکتیا چون میرزاکه ، لژه احمد خیل، دند و پتان و شهر گردیز نیز اقامت دارند .

کانون رهبری قبیله ای منگل به شاخه ای موسی خیل تعلق داشته و در میان این شاخه خانواده خجوری و میرالخیل از توانمندی بیشتر برخوردار میباشد . در نیمه ای نخست سده بیستم میلادی زلمی خان خجوری و و سنک خان میرالخیل از زمره خوانین پُر اقتدار قبیله ای یاد شده به شمار می آمدند .

در دوران پادشاهی امیر حبیب الله خان ، قبیله ای منگل و خُدران مشترکاً از پرداخت مالیات به دولت سر پیچی نمودند که در نتیجه ای آن گسیل یک جرگه ای مشترک قبایل نامبرده به نزد قبایل وزیرستان شد تا هوادارای آنان را نیز جلب نمایند . در سال ۱۹۲۴ میلادی زلمی خان و سنک خان از شورش ملا عبدالله مشهور به ملای لنگ بر ضد امان الله خان پشتیانی نمودند ، این شورش که در کار تدارک آن شبکه های جاسوسی انگلیس دست داشت به زودی سرکوب گردید ، منگل ها پس از این شکست به اجنسی کورم پناه برده و در منطقه ای « تر » جابجا شدند که اکنون این محل به « تر منگل » شهرت دارد . چنانچه در پیش گفته آمد ، نام های برخی واحد های اداری ولایت پکتیا با نام های خیل‌های اساسی قبیله منگل یکسان بوده که این امر گویای روشن این واقعیت است که قبیله یاد شده در مناطق سکونت خویش جا بجا مانده اند . همچنان یک بخش قبیله ای منگل در فرآیند تکامل خویش در چنان واحد های اداری متوطن شده اند که دارای ساختار نهایت ناهمگون میباشد (به طور مثال خمکنی، سید کرم و برخی واحد های دیگر) .

جدران ها (خُدران ها)

قبیله ای خُدران در میان قبایل پشتون افغانستان اتحاد نهایت فشرده بوده که نیز شامل کنفدراسیون قبایل کرلانی میباشد . شمار خُدرانها بر اساس آمار سال ۱۹۷۵ میلادی در ولایت پکتیا و پکتیکا (۱۵۴) هزار تن ثبت گردیده است . رقم خُدران ها در ولایت پکتیا به (۱۱۲) هزار تن میرسد که از آن جمله (۵۴،۶) هزار تن در وزی جدران ، (۲۹،۶) هزار تن در سپیره ، (۱۴،۸) هزار تن در نادر شاه کوپ و (۲) هزار تن در علاقداری شواک بسر میبرند . در شهر گردیز نیز به تعداد (۳،۵) هزار تن خُدران سکونت دارند* .

آمار سال های ۸۰ میلادی شمار جدرانها را ، البته با نظر داشت فرآیند مهاجرت ها به پاکستان خیلی کمتر نشان داده شده است ، یعنی در حدود (۷۰) هزار تن از این میان (۱۵) هزار تن در « وزه » ، (۱۰) هزار تن در سپیره ، (۱۲) هزار تن در نادر شاه کوٲ ، (۵) هزار تن در شواک ، (۵) هزار تن در شمل و (۴) هزار تن در قلندر

قبیله خُدران در ولسوالی های ولایت پکتیا چنین تقسیم گردیده اند : در علاقدهی گیانی به تعداد (۲۰،۵) هزار تن ، در علاقدهی زیروک (۱۱،۴) هزار تن ، در علاقدهی نکی (۷،۳) هزار تن و در ولسوالی ارگون (۳،۱) هزار تن . قبیله ای خُدران به دو شاخه پیرخیل و میزی جدا شده اند . خیلهای اساسی شاخه ای نخست متشکل از زنی خیل ، خانیک خیل و بیباخیل و شاخه ای دومی متشکل از برام خیل ، شابک خیل ، تاوایی خیل ، پیرانگی خیل (سلطان خیل) ، خانیک خیل ، صادق ، اسپه خیل و توری خیل میباشند . شاخه ای میزی قبیله ای خُدران که خود را اولاده ای « بیت نیکه » می شمارند ، در درازای تاریخ راه رشد مستقلانه تر از دیگر خُدرانها را پیموده ، تنها در زمان تنشهای بزرگ قبیلوی در پهلوی قبایل خُدران صف آرای می نمودند ، چه این دو قبیله را برادران هم خون خویش می انگارند . بر بنیاد آمار که سران قبیله به صورت آگاهانه زیاتر نشان داده اند ، شمار شاخه ای پیر خیل یک و نیم برابر زیاتر از شاخه ای میزی نشان داده شده و در درون این خیل تناسب سه شاخه ای آن چنین برجسته گردیده است : زنی خیل و خانیک خیل هر کدام (۲۵) هزار تن و بیبا خیل (۱۱۰) هزار تن .

جالب است که بخش زیاد خُدرانها ، یعنی افزون بر یک سوم شان در ولسوالی وزی بود و باش دارند (در این ولسوالی نمایندگان قبایل دیگر بود و باش ندارند) که اتحاد پایدار و ویژه گیهای خویش را تا کنون نگهداشته اند .

ادامه دارد

admin@vatandar.at

مدیر مسوول : دیپلوم انجینیر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز : انجینیرنجیب یوسفی

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به « وطندار » می باشد